

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ملک الشعراء

استاد محمد نسیم "اسیر"

گنج و مار!!!

ماری نشسته حلقه زنان در جوار گنج
از هر نفس بسان سپندی در اضطراب
واکرده چشم هوش به هر گوشه و کنار
وز هر صدا به گونه سیماب بی قرار
شبه نشسته بر سر آن گنج زنده دار
نهاده دیده بر سر هم، روزها به خواب

گنجش بگفت ای همه تن کلفت و کریه
ما صاف و پاک، لیک تو یکسر پلید و زشت
ما نوش میدهیم و تو خود نیش میزنی
ما حلقه میزنیم به گردن برای زیب
از تو کنند نفرت و از ما به احترام
ما را به پیش خلق بسی قدر و قیمت است
ما را چه نسبت است به تو اندرین دیار
ما در و گوه ———— پریم، تو مار جفا شعار
مردم به ما فـریفته، از تو به انزجار
لیکن تو از برای بلاه ———— ای بی شمار
انگشتی در دست نمایند و گـوشوار
اما تویی به پیش همه، بس زیون و خوار

خندیده گفت مار که ای گنج شایگان
ما را به توست نسبت از حد فزون، بلی
ما خود به همنشینی تو خوش نبوده ایم
ما را از آن به پهل ———— ی تو راه داده اند
ما نیش می ———— زنیم و ترا نوش میدهیم
نشیده ای مگر ز کسی حرف گنج و مار
چندان که نسبت گـل زیبا و نیش خار
ما را نشانده بر سر تو، دست روزگار
تا ساده بر تو دست نیابند و مفتخوار
اینست شیوه ای که به ما داده کـاردار

گردون که در طریقه داد و ستد شود شیر است و شهد همراه و گل است و نیش خار
بیهوده نیست این همه تلخ و تروش چرخ در این عمل نهان بُودش، رمزها هـزار
بی نیش نوش می ندهد گردش زمان
اینست شیوه ای که فلک کرده اختیار

(م. نسیم «اسیر» - کابل عزیز، ۲۵ قوس ۱۳۳۳ش)